

باسمه تعالی

غرفه اول:

سلام عرض می‌کنم خدمت شما بزرگواران. عید بزرگ غدیر را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم در این چند دقیقه‌ای که در خدمت شما هستیم، لحظات خاطره انگیزی را باهم بسازیم. ما در سه غرفه در خدمت شما خواهیم بود و امیدوارم تا انتها ما را همراهی بفرمایید. اجازه می‌خواهم که صحبت‌ها را با دو سوال آغاز کنم:

- کدام یک از شما تمام مراحل زندگی را بدون کمک حتی یک نفر سپری کرده‌است؟ (سوال به صورت استفهام انکاری پرسیده شود به گونه‌ای که همه‌ی ما می‌دانیم که مثلاً در نوزادی هیچ کاری از دستمان بر نمی‌آمده و همه‌ی امورات ما را پدر و مادر ما انجام می‌دادند)
- سوال بعدی این هست که در کنار خود چه کسانی را دارید که در مشکلات زندگی به شما کمک می‌کنند؟ (اجازه دهید افراد اسامی آنها را ببرند مثل پدر، مادر، فلان دوستم و ...)

همه‌ی ما آدم‌ها اگر یک حامی و پشتیبان در زندگی‌مان داشته باشیم، خیلی مطمئن‌تر در مسیر زندگی قدم برمی‌داریم. یک نفر که وقتی بخواهیم یک تصمیم بزرگ در کار و یا تحصیلمان بگیریم، یا در یکی از دوره‌های زندگی مستأصل شدیم، به سراغش برویم و با او مشورت کنیم و او نیز با دلسوزی تمام به مشکلاتمان فکر کند و راه حل پیشنهاد دهد. وقتی که صحبت از یک همچین آدمی در زندگی می‌شود، ناخود آگاه ما یاد یک زوج می‌افتیم. کسانی که در زندگی من و شما تاثیرات زیادی داشته‌اند و دغدغه آنها اگر نسب به ما بیشتر نباشد قطعاً کمتر نیست و آنها پدر و مادر ما هستند. پدری که هر روز برای رفاه خانواده‌اش کار می‌کند تا آب در دل کسی تکان نخورد. کسی که از لحظه‌ای که ما به دنیا آمده‌ایم به خودش قول داده که "حواسم بهت هست" و تا حدّ توانش آرامش را به زندگی ما آورده است. مادر نیز تمام مهر و عطوفتش را خرج فرزندانش می‌کند؛ کسی که حتی اگر نتواند مشکلات ما را حل کند، حضورش در کنار ما آرام‌بخش و موجب دلگرمی خواهد بود. یا حتی خیلی از اوقات یک دوست خوب، سنگ صبور مشکلات تو می‌شود و هرآنچه که در توان دارد می‌گذارد تا در زندگی تو اتفاقات خوبی بیافتد.

اما خیلی از اوقات پیش می‌آید که همین آدم‌ها هم کاری از دستشان بر نمی‌آید و در پستی بلندی‌های زندگی کم می‌آورند و نمی‌توانند به تو کمک کنند. یا زمانی فرا می‌رسد که دیگر حضور آنها را کنارمان حس نمی‌کنیم و حس بد بی‌پشت و بی‌پناهی به سراغمان می‌آید.

گاهی در زندگی مشکلاتی پیش می‌آید که هیچ کمک و حمایتی از دیگران برای ما وجود ندارد و هیچکس به جز خدا نمی‌تواند برای ما کاری کند. مثال خیلی سطحی و دم‌دستی این موضوع که همه‌ی ما کم و بیش حس کرده‌ایم، تکان‌های شدید هم‌اوپیما است. دقیقاً در همین لحظات است که خدا را خیلی جدی تر نسبت به روزمره صدا می‌کنیم. اما چگونه می‌توانیم از حمایت قطعی خدا برخوردار شویم؟ و یا بر چه اساس می‌توانیم خود را راضی کنیم که خدا در تمامی مراحل زندگی یار و یاور ما خواهد بود؟

به امید خدا در غرفه بعد در این باب صحبت می‌کنیم

غرفه دوم:

در غرفه قبل گفته شد که وجود حامی در تمامی مراحل زندگی چقدر می‌تواند ما را در زندگی جلو بیاورد و انتهای بخش قبل نیز با این سوال به پایان رسید که چگونه می‌توانیم حمایتِ حامی‌ای مثل خداوند را داشت که هیچ‌گاه ما را تنها نمیگذارد. اما اجازه بدید قبل از این که به این سوال پاسخ بدیم، قسمتی از تاریخ را باهم مرور کنیم که قطعاً ما را به پاسخ نزدیک تر می‌کند.

خداوند متعال در طول تاریخ نمایندگانی را روی زمین قرار داده تا پشتیبان و دلسوز بشر باشند. هر کدام از این افراد در طول تاریخ فعالیت‌هایی را در این راستا انجام دادند. ما از این افراد به پیامبران یاد می‌کنیم. کسانی که دغدغه هدایت بشر را داشته‌اند و افراد نیز در مشکلات خود به آنان مراجعه می‌کردند. به طور مثال بارها و بارها در کتب معتبر از جمله قرآن آمده که انبیا بیماران را شفا داده‌اند و یا گرفتاری آنان در زمینه‌های مالی، خانوادگی، شغلی و... مرتفع کرده‌اند و به طور کلی می‌توان گفت که آنها در تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها نقش داشته‌اند.

آخرین این پیامبران رسول خدا است. کسی که در دلسوزی او همین بس که خدا در قرآن فرموده است: برای شما پیامبری از خودتان آمد که برای او دشوار است که شما در رنج بیفتید، و بر هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مومنان، دلسوز و مهربان است. (آیه ۱۲۸ سوره التوبه) و یا در جای دیگری از قرآن آمده: ما تو را جز رحمتی برای همه مردم نفرستادیم (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷)

سال‌های سال مردم با رسول خدا که مظهر لطف و عنایت پروردگار بود، زندگی کردند تا اینکه یک روز مردم متوجه شدند اواخر عمر شریف این مرد نازنین فرارسیده است. همه در ترس و واهمه‌ای فرو رفته بودند که سرانجام آنها بدون رسول خدا چه خواهد شد. همه به حضور او و حمایت‌هایش عادت کرده بودند. اما چیزی نگذشت که رسول خدا همه‌ی مسلمانان را به حجه الوداع (حج خداحافظی رسول خدا) دعوت کردند.

اجتماعی عظیم در آن روز تشکیل شد به گونه‌ای که بزرگترین اجتماع تا آن روز به شمار می‌رفت.

بعد از اتمام اعمال حج، رسول خدا صلوات خدا بر او و خاندانش باد دستور دادند تا افراد به منطقه‌ای در نزدیکی جحفه به نام برکه خم (غدیر خم) تجمع کنند.

بعد از رسیدن تمامی افراد به این منطقه رسول خدا شروع به سخنرانی فرمودند که اکثر ما از آن سخنرانی جمله "من کنت مولاه فهذا علی مولاه" رو به خاطر داریم. جمله‌ای که نگرانی مردم رو رفع کرد و آنها متوجه شدند که رسول خدا کسی مثل خودشان را برای مردم انتخاب کرده‌اند. اما امروز میخواهیم در مورد جمله از این خطبه با هم صحبت کنیم که ما را به پاسخ سوالی که در انتهای غرفه قبل مطرح شد، نزدیک تر می‌کند. رسول خدا صلوات خدا بر او و خاندانش باد در این روز استثنایی فرمودند: *اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وأنصر من نصره، وأخذل من خذله؛* خدایا! آن که علی را به ولایت برگزید، تو ولی و سرپرستش باش و آن که با او به دشمنی برخاست، با او دشمنی کن و یاری کن هرآنکه او را یاری کند و درمانده کن هرآنکه او را یاری نکرد.

رسول خدا محبوبترین خلق خدا روی زمین است؛ مگر می‌شود که دردانه خدا در روز به این بزرگی از خدا چیزی را طلب کند و خدا او را اجابت نکند؟ دعای رسول خدا، دعای مستجاب است. بنابراین هرکس که ولایت امیرالمومنین را داشته باشد، خداوند حتمن از او حمایت خواهد کرد و بد به حال کسانی که بخوانند با او دشمنی کنند و یا او را یاری نکنند.

اما سوالی که مطرح می‌شود این است که امروز چگونه می‌توانیم یاور امیرالمومنین باشیم و حمایت خدا را کسب کنیم؟

به امید خدا در غرفه بعد در این باب صحبت می‌کنیم

غرفه سوم:

ما در دو غرفه قبل اهمیت حامی و پشتیبان در زندگی را باهم مرور کردیم و متوجه شدیم که خدا علاوه بر پدر و مادر، پیامبرانی را مبعوث کرده تا با قدرت الهی‌ای که دارند، بشر را هدایت و حمایت کنند. در قسمت قبل نیز صحبت از این شد که آخرین پیامبر خدا صلوات خدا بر او و خاندانش باد در روز عید غدیر، که اعلام عمومی جانشینی امیرالمومنین بود، در سخنرانی طولانی که نزدیک ۳ ساعت به طول انجامید، نکات بسیار مهمی را به ما گوش زد کردند که ما به یکی از آن جمله‌ها (اللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) بسنده کردیم.

اما در این غرفه قصد داریم تا این نکته را با هم مرور کنیم که چگونه امیرالمومنین علیه‌السلام را یاری کنیم تا حمایت و یاری خدا شامل حال ما شود؟

همانطور که می‌دانید بعد از واقعه غدیر مردمانی به ناحق، خلافت را از امیرالمومنین علیه‌السلام گرفتند و نگذاشتند آن گونه که دلخواه خدا و رسولش بود، امور خلافت و دین‌داری مردم پیش رود و تنها کمتر از ۴ سال خلافت برعهده ایشان بود.

بهترین کمک به کسی که حقی از او گرفته می‌شود، بازگرداندن حق به اوست. امروز من و شما چگونه می‌توانیم در این راستا امیرالمومنین را یاری کنیم؟

رسول خدا صلوات خدا بر او و خاندانش باد در ادامه خطبه خود در روز عید غدیر فرموده‌اند: مهدی علیه‌السلام کسی است که حق خدا و تمام حقوق ما را می‌گیرد.

اگر من و شما که امروز دور هم جمع شدیم از خدا بخواهیم که فرج امام عصر علیه‌السلام را زودتر برساند، امیرالمومنین علیه‌السلام را حمایت کرده‌ایم و وقتی شما کنار نماینده‌های خدا هستی، بدون شک و قطعاً از حمایت خدا برخوردار خواهی شد.

پس از امروز باهم قرار می‌گذاریم تا هرروزمان به ذکر "اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ" معطر شود.

اما قبل از اینکه برنامه را به پایان ببرم، دوست دارم همین جا و باهمدیگر به امام زمانمان یک هدیه بدهیم؛ آخه عید غدیر رسم همه ما این هستش که به دیدن سادات برویم و از آنها عیدی بگیریم. شک نکنیم که ما امروز دست خالی و بدون عیدی از مجلس صاحب غدیر و بزرگترین سادات زمان بیرون نمی‌ریم. شاید خیلی از ما یادمان رفته که بزرگترین سادات زمان، امام زمان علیه‌السلام است؛ و شاید خیلی از ما یادمان رفته که این عید را به صاحب اصلی‌اش تبریک بگوییم. بیاییم دست جمعی، ما به امام عیدی بدهیم و به ایشان تبریک بگوییم. بیاییم عیدی ما برای امام زمان دعا بر تمام شدن دوران غربت و تنهایی این عزیز باشد. (همه با هم دعای فرج رو زمزمه کنیم)